

تئوریک



ارگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

● طرح برنامه "جدید حزب" ————— تسوده

سند افلاک سیاسی و ایدئولوژیک

- نگرانی درباره راه رشد غیر سرمایه داری
- انترناسیونالیسم در ایدئولوژی "تسوده ای"
- قدرت سیاسی و اپورتونیسم حزب تسوده
- بیان ورشکستگی پوپولیسم بورژوا فرمیستی

www.KetabFarsi.com

تئوريك ۴

K.A.I.

www.KetabFarsi.com

★ **کتاب** تئوريك ۴

★ خرداد ۱۳۶۵

★ از انتشارات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

★ بهاء معادل ۴٫۵ مارک

بحران طیف توده‌های همچنان گسترش و تعمیق می‌یابد. با هر روزی که می‌گذرد عده هرچه بیشتری از هواداران این طیف علیه توجیه‌تراشی سازمان‌هایشان می‌شورند و از رهبران‌شان درباره همکاری چندین ساله با رژیم جمهوری اسلامی توضیح می‌خواهند. توضیحات و توجیهات دیگر کسی را قانع نمی‌کند و ارزشمارکسانی که همکاری چند ساله با جمهوری اسلامی را یک ضرورت تاکتیکی و یک اشتباه در ارزیابی می‌پندارند، هرروزه کاسته می‌شود و ارزشمارکسانی که این همکاری را انحرافی فاجعه‌بار یا حتی خیانتی شرم‌آور می‌دانند، دایما افزوده می‌گردد. رهبران طیف توده‌های دیگر جرأت دفاع آشکار از این همکاری را ندارند، اما در عین حال می‌کوشند با "متأسفانه" گفتنی و یا با اصطلاح "انتقاد از خود" نوشتنی از دست گذشته خلاص شوند و علل و ریشه‌های فاجعه را سکوت بگذارند.

سازمان ما که انحرافات طیف توده‌های را صرفاً در همکاری چند ساله گذشته آن با رژیم جمهوری اسلامی نمی‌بیند، بلکه این همکاری را فقط نتیجه انحرافات قدیمی و ریشه‌دار این طیف تلقی می‌نماید، روند بحران طیف توده‌ها را با دقت دنبال می‌کند و شناساندن علل و ریشه‌های واقعی این انحرافات را وظیفه انقلابی خود می‌داند. شماره حاضر "راه کارگرتئوریک" گامی است در انجام این وظیفه و امید داریم عناصر صادق طیف توده‌ها را در شناختن علل و ریشه‌های انحرافات و مبارزه قاطع علیه آنها یاری رساند.

۵	● "طرح برنامه" جدید حزب توده
	سند افلاک سیاسی وایدتولوژیک
۳۰	● نکاتی درباره راه رشد غیر سرمایه داری
۳۱	۱- آنچه نین می گفت
۳۲	۲- دولت نوع کمون و هر مونی پرولتری
۴۰	۳- معنای "رفتن به سوی سوسیالیسم" چیست ؟
۵۲	۴- ایران : انتقال به سوسیالیسم به رهبری طبقه کارگر
۶۱	● انترناسیونالیسم در ایدئولوژی "توده ای"
۷۵	● قدرت سیاسی و اپورتونیسم حزب توده
	● بیان ورشکستگی پوپولیسم بورژوا فرمیستی
۱۰۹	۱- طیف راست در اپوزیسیون و معنای عملی و تئوریک تئوری "استحاله"
۱۱۷	۲- منابع هم ملکی فدائیان اکثریت با حزب توده
۱۲۵	۳- انشعاب کشتکریون از جناح فرخ نگهدار : یف واکنش فرقه ای
۱۳۷	۴- بهران حاد درون حزب توده و فدائیان اکثریت جناح فرخ نگهدار
۱۴۳	۵- سنت فدائی : وسیله ای برای انجام پوپولیسم بورژوا فرمیستی

”طرح برنامه جدید حزب توده

سند افلاس سیاسی و ایدئولوژیک

برهان

اگر سرکوب تشکیلات حزب توده توسط رژیم جمهوری اسلامی و ندامت تلویزیونی رهبران این حزب را مبدء قرار ندهیم، دست کم از زمان سرهم بندی با مصطلاح ”پلنوم هجدهم“ این حزب تادی ماه ۶۴ که طرح برنامه جدید این حزب (انتشار یافت) حزب توده فاقد برنامه مدون بوده است. پلنوم هجدهم در عین حال که تهیه طرح برنامه جدیدی را در دستور کار کمیته مرکزی می نهاد، بسا تناقضات عمیق در تصمیم گیری های خود، تهیه برنامه را ناممکن می ساخت چگونه می شد با بلاتکلیفی در قبال دو رکن استراتژیک برنامه، یعنی حاکمیت و آرایش نیروها، به تهیه برنامه پرداخت؟ پلنوم هجدهم، ”چرخش به راست“ رژیم را آنهمه جدی و بازگشت ناپذیر ارزیابی می کرد که دیگر برای حزب توده راهی جز ترک شعار ”جبهه متحد خلق“ با پرچمداری خمینی و پیروان راستین خط امام، و جایگزین کردن آن باز هم با ”جبهه متحد خلق“ مرکب از نیروهایی که (بجز خود حزب توده و نوچه ”اکثریتی“ اش) همگی طالب سرنگونی رژیم بودند، باقی نمانده باشد، اما در همان حال، دل بستگی امیدواری اش به رژیم در کلیت آن بقدری جدی و پابرجا بود که شعار ”مبارزه علیه مرتجعین درون حکومت“ را به طرح شعار سرنگونی رژیم ترجیح می داد! پلنوم هجدهم، نه روشن می کرد که چه شد که ناگهان ”خط ضد امپریالیستی امام“ به ”خط بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران“ و ”خط امپریالیست ها“ استحاله یافت؛ و نه روشن میکرد که چه شد که ناگهان آن نیروهای ”ضد انقلاب“ و ”گروهک های آمریکائی و سیا ساخته“ به نیروها و سازمانهای انقلابی، دمکرات و ترقیخواه و ضد امپریالیست مبدل گشتند! پلنوم هجدهم خواهان تشکیل جبهه متحدی از نیروهای خواهان سرنگونی رژیم بود؛ اما جبهه ای نه برای سرنگونی رژیم، بلکه برای مبارزه با جناح ”مرتجعین درون حاکمیت“؛ و کمیته مرکزی را مأمور تهیه طرح برنامه ای برای حزب می کرد که در عین حال برنامه چنین جبهه ای بوده، رضایت و حمایت چنین

نیروهای راهی به بهترین وجهی تامین کند؛ پلنوم هفدهم از یکطرف با تشویق کردن "استحاله"ی رژیم، با دعوت از طالبان سرنگونی رژیم به اتحادجبهه‌ای، و با طرح ضرورت تدوین برنامه جدید، برنامه مصوب پلنوم هفدهم را که برنامه حمایت از رژیم و "شکوفائی جمهوری اسلامی" بود، از اعتبار باقسط می‌کرد، اما در همان حال با اعلام بایبندی خود به فاسون اساسی جمهوری اسلامی، و با تداوم خط مشی سابق حزب مبنی بر اتحاد با یک جناح حکومتی علیه جناح دیگر، - یعنی با طفره رفتن از شعار سرنگونی رژیم - وفاداری خود را به برنامه پلنوم هفدهم به نمایش می‌گذاشت. سیاست شتر-گاوب-پلنگی ی پلنوم هفدهم در قبال حاکمیت و آرایش نیروها، و دل‌کندن و ننگدن از برنامه "شکوفائی جمهوری اسلامی"، چیزی جز عدم تعین و بی‌التکلیفی در سیاست استراتژیک حزب نبود و نمی‌توانست جز بحران بی‌برنامگی منحصر گردد.

بی‌التکلیفی سیاسی و بی‌برنامگی حزب توده در این مدت، در عین حال که به بحران درون حزبی دامن زده، خود محصول آن نیز بوده است. رهبری حزب توده در گرداب بحران عمقی و دامنه‌دار حزبی، هر جا که نتوانسته است با توسل به تصفیه و ارجاع مخالفین و معترضین، برای بحران مهارزند، کوشیده است که اینجا و آنجا برخی از شعارهای آنان را از دستشان بگیرد و بدین وسیله، معترضین و ناراضیان درون حزب را خلع سلاح سازد. یکی از این شعارها، شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بود، که رهبری حزب توده با فرصت طلبی و "لحظه شناسی" از روند بحران حزبی، به ناگزیر به آن تن داد. به این ترتیب "حزب توده ایران، نخستین حزبی بود که" آخر از همه شعار سرنگونی ارتجاعی ترین رژیم تاریخ معاصر ایران را مطرح کرد (وصد البته سازمان فدائیان خلق (اکثریت) نیز که از بحران مشابه و "لحظه شناسی" مشابه برخوردار بود، در تهیه اطلاعیه مشترک با حزب توده شرکت کرد).

با پذیرش شعار سرنگونی رژیم، در اردیبهشت ۶۴، دودلی در دل‌کنسدن از برنامه "شکوفائی جمهوری اسلامی"، یعنی از برنامه مصوب پلنوم هفدهم ظاهراً برطرف شد و راه برای تهیه طرح برنامه جدید هموار گشت، و این طرح، سرانجام در دی ماه ۶۴، با شتاب و دستپاچگی مفرطی که از سرهم بندی مطالب، گسیختگی جملات، شلختگی انشائی، و اغلاط چاپی آن هویدا است، در "نامه مردم" شماره ۸۴ (وعلى الظاهر، بدون طرح و نظر خواهی درون حزبی و از فراز سازمانها و کادرهای حزبی) انتشار بیرونی یافت.

این طرح برنامه که در چارچوب تلاشهای رهبری حزب توده برای مهار بحران تهیه شده، گرچه خلا برنامه‌ای را پر می‌کند، اما بحران برنامه‌ای را نه فقط حل نمی‌کند، بلکه تشدید هم می‌کند، چرا که این برنامه، چیزی جز تحکیم و تثبیت ریشه‌های افلاس سیاسی، ورشکستگی تاریخی و نتیجتاً بحران تشکیلاتی حزب

توده نیست و تمامی تناقضات یادشده را نیز در خود حفظ کرده است .
 چرخش از برنامه حمایت از رژیم ولایت فقیه به برنامه سرنگونی آن، یک
 چرخش صد و هشتاد درجه ایست . برای این پشتک واروی محیر العقول ، هیچگونه
 توضیحی در این برنامه داده نشده است . اگر آنچه را که تحت عنوان "مشخصات
 عمده رژیم حاکم بر ایران" در این برنامه ذکر شده است ، توضیحی ضمنی برای
 این چرخش صد و هشتاد درجه ای بحساب آوریم ، می بینیم که تمامی این مشخصات
 نه تنها قبل از اردیبهشت ۶۴ (تاریخ طرح شعار سرنگونی از سوی حزب توده) ، نه
 تنها قبل از برگزاری پلنوم هفدهم ، و نه تنها قبل از یورش رژیم به حزب
 توده ، بلکه از نخستین روز بقدرت رسیدن خمینی وجود داشته اند ؛ "استبداد
 مذهبی به شکل تمرکز اختیارات فوای سه گانه مقننه ، مجریه و قضائیه در دست
 یک فرد بر پایه اصل "ولایت فقیه" ، کنترل پلیسی جامعه ، سرکوب آزادی ها
 و حقوق دمکراتیک مردم ، پیگرد و بازداشت و شکنجه و قتل و اعدام مخالفان ،
 اعمال ستم ملی بر خلق های ایران ، حمایت از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ
 مالکان به مثابه پایگاه امپریالیزم در ایران ، نفی همزیستی مسالمت آمیز و
 معرفی جنگ به عنوان "رحمت الهی" ، دخالت در امور داخلی دیگر کشورها به
 بهانه "مدور انقلاب اسلامی" ، کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی " .

در گزارش دفتر سیاسی به پلنوم هفدهم حزب توده که پایه تحلیلی
 برنامه مصوب آن پلنوم را تشکیل میداد ، درست دوماه پیش از ۳۰ خرداد ۶۰ —
 گفته می شد : "این که دستگاه تبلیغات امپریالیستی و ضد انقلاب و سازشکاران
 و تسلیم طلبان ادعا می کنند که گویا در ایران در زمینه محدودیت آزادی تغییر
 محسوسی رخ نداده و استبداد سرنگون شده و استبدادی دیگر جای آن را گرفته ،
یک دروغ بی پروا و مردم فریبی ناهنجار بیش نیست . واقعیت این است که یکی
 از مهم ترین دستاوردهای انقلاب شکوهمند ما ، همین در هم شکستن کابوس
 وحشتناک اختناق ساواکی و به رسمیت شناختن آزادی های فردی و اجتماعی است
 (مجله "دنیا" - شماره ۱ - ۱۳۶۰ - تاکیدات از نگارنده)

طرح برنامه جدید برای آنکه پاسخگوی مسائل بیشماری نظیر این نباشد
 که به چه دلیل "استبداد مذهبی بر پایه اصل ولایت فقیه" ، "به رسمیت شناختن
 آزادی های فردی و اجتماعی" جازده شد ، و آیا این چیزی جز "یک دروغ بی پروا
 و مردم فریبی ناهنجار" بود ؟ ، بطور کلی برنامه "شکوفائی جمهوری اسلامی" ،
 مصوبه پلنوم هفدهم را مسکوت می گذارد ، گوئی که اصلاً چنین برنامه ای وجود
 خارجی نداشته و طرح برنامه جدید ، از ضرورت تجدید نظر هائی در برنامه —
 پیشین برنخاسته است ! در مقاله ای ترویجی پیرامون مقولات "دمکراسی
 ملی ، دمکراسی انقلابی و ..." که در شماره ۸۵ "نامه مردم" ، یعنی بلافاصله پس از
 انتشار طرح برنامه جدید و آشکارا بمنظور تشریح و توضیح آن درج گشته است

داری سخن گفت . اما واقعیات عینی رانمی توان به تبعیت از تئوری‌ها و اداه‌ها
تجربه جهانی ، ورشکستگی فاجعه یارتر رویزیونیستی "راه رشد غیر سرمایه‌داری
بدون رهبری طبقه کارگر" را در هر کشوری که مورد آزمایش قرار گرفته ، عملیه اثبات
رسانده است . آخرین محصول این تئوری رویزیونیستی (آنهم در ایده آل‌ترین شرائط
از دید همین تئوری) در ایران به ثمر رسید و راه رشد ولایت فقیه از آب در آمد و حزب
توده رانیز به بحران کشید . با اینحال حزب توده بر آن است که راه رفته را از سر
گیرد! از اینرو طرح برنامه جدید رانمی توان چیزی جز سند افلاس کامل سیاسی
وایدئولوژیک ، وجواز دفن حیات سیاسی حزب توده نامید .

www.KetabFarsi.com

نکاتی درباره راه رشد غیر سرمایه داری

ر.فراهانی

در این مقاله سعی ما بر آنست که بطور اجمالی به رئوس مسائل مربوط به آنچه تحت عنوان "راه رشد غیر سرمایه داری" شناخته میشود پرداخته و در خاتمه نسبت به رابطه شرایط امروزی جامعه ایران و این تز ، بحثابه یک جمع بندی مشخص ، نظر خود را بیان داریم . بدیهی است که در چنین حجمی تنها خطوط کلی حاکم بر این نظریه مورد ملاحظه قرار میگیرند و هریک از نکات مطروحه را میتوان ، در صورت لزوم ، با مراجعه بیشتر به ماخذ و مراجع مربوطه ، در ژرفای بیشتری مورد کاوش قرار داد .

